

مبارزه با افزایش جمعیت

طرفداران مبارزه با افزایش جمعیت معمولاً برای طبیعی نشان دادن منطق خود به «کمبود مواد غذایی» در کره‌ی زمین و محدودیت آن استدلال میکنند و برای تأیید گفتار خویش به کشورهای پرجمعیتی مانند هند، مثال میزنند که گرسنگی در آن نقاط بیداد میکند و سالانه هزاران نفر بدیارعدم میفرستد و با این ترتیب میخواهند نشان بدهند که مبارزه با افزایش جمعیت اکنون به صورت یک ضرورت قطعی و یک امر طبیعی در آمده است ولی متأسفانه در بررسی این موضوع به عامل اصلی این قحط زدگی و گرسنگیها اصولاً توجهی نشده است، ما بخوبی میدانیم که طبق آمار صحیح روزانه ده هزارتن در سراسر جهان از گرسنگی میمیرند و با هر ضربه‌ی ثانیه‌ی شمار ساعت، سه نفر گرسنه بر جمعیت جهان افزوده میشود و در دهسال آینده پنجاه میلیون کودک هندی از گرسنگی خواهند مرد (۱) ولی آیا پرستی کمبود مواد غذایی در کره‌ی زمین عامل اصلی اینگونه حوادث مرگبار است؟! یا آنکه زندگی متناقض عصر ما و اسراف و تبذیر هائی که از پدیده‌های فنگین و کربیه جهان ما است چنین وضع رقت‌باری را بوجود آورده؟! .

تردیدی نیست که تا این تاریخ باید عامل اصلی این نوع بدبختیها را در شق دوم جستجو کرد، در جهان ما تناقض و جنبه‌های افراط و تفریط در بسیاری از مسائل با وضع زننده و نفرت‌انگیزی خود نمائی میکند و یکی از آن موارد موضوع مورد بحث ما است، مدارک زنده و شواهد بیشماری نشان میدهد که اگر انسانهای مفرور و خوشگذرانهای افراطی عصر ما دست از خیره‌سری بردارند و از اینهمه اسراف و تبذیر در مصرف مواد غذایی خودداری کنند تنها گرسنه‌ای باقی نماند بلکه برای آینده‌های بسیار دور هم احتیاجی نیست که از راههای گوناگون و خطرناکی (مانند آنچه که دنیا اکنون در پیش گرفته) برای تأمین مواد غذایی استفاده گردد .

در عصر مادر کشورهای باصطلاح پیشرفته و مترقی (و متأسفانه در بین مسلمانان غرب زده‌ی ماهم) فراوانند کسانی که غذاهای سالم کنار سفره را که اضافهی براهیج آنها است با کمال قساوت بدور میریزند در حالیکه هزاران مادر بی‌شیر و کود کان گرسنه و آدهای بی‌رمقی که بیک شبه بیشتر شاهت دارند تا بدبخت‌انسان، در انتظار بدست آوردن لقمه‌ی نانی ساعتها در انتظار، نشسته‌اند اما بآن دستی نمی‌یابند، در آمار سازمان ملل میخوانیم که روزانه ده هزار نفر گرسنه در سراسر جهان میمیرند ولی در

کنار آن باید این خبر را هم مورد توجه قرار دهیم که «مقدار غذائی که طی سی روز از طرف مردم آمریکا بدور ریخته میشود می تواند در یکروز هفتصد میلیون مردم چین را سیر کند؟» (۲)

این آمار با آنکه مربوط به غذاهای سالمی است که تنها در آمریکا بدور ریخته میشود با اینحال تصدیق میفرماید که چگونه میشود تنها با همین غذاهای اضافی از مرگ ده هزار گرسنه در روز در سراسر جهان جلوگیری نمود، آیا اسفاور نیست دنیای ما که برای مبارزه با گرسنگی و کمبود مواد غذائی (بقول خود) میخواهد از هر راهی استفاده نماید چرا حتی یکبار فکر آن نیفتاده که جلو اینهمه اسرافکاریها و بیهوده تلف شدن غذاهای سالم را بگیرد و از این راه شکم میلیونها گرسنه را در طول سال سیرگرداند و جان هزاران انسان محروم را از خطر مرگ رهائی بخشد؟! .

تقسیم عادلانه مواد غذائی

ما اعتراف میکنیم که خطر گرسنگی مردم بعضی از کشورهای آسیائی و آفریقائی را تهدید میکند، اما معتقدیم که این وضع اسفناک به علت افراط و تفریط نفرت انگیزی است که در جهان ما حکمفرما است و اگر روزی همی ملتها بطور جدی درصدد برآیند تا جلوی اینهمه اسرافکاریها را بگیرند و در تقسیم مواد غذائی عدالت را رعایت نمایند بدون تردید در آن روز دیگر کمبود مواد غذائی احساس نخواهد شد تا بیهانه‌ی آن جهان مجبور گردد از راههای خطرناک و مشکوک با افزایش جمعیت و تکثیر نسل به مبارزه برخیزد، برای روشن شدن این حقیقت کافی است خبزریر را مورد مطالعه قرار دهیم. «نماینده‌ی سازمان بین‌المللی خواربار و کشاورزی (دکتر نیکول) گفت به موجب آمار موجود، کلیه مردم جهان به چند دسته تقسیم میشوند. گروه اول که شامل مردم آسیا و آفریقا و قسمتی از آمریکای لاتین میباشد دچار کمبود مواد غذائی هستند و بطور کلی روزانه صد و پنجاه کالری کسردارند در حالیکه کشورهای گروه دوم که شامل بقیه هستند روزانه چهار صد و پنجاه کالری اضافه دارند!» (۱) با این ترتیب آیا بهتر نیست که بجای آنکه برای جبران کمبود!!! مواد غذائی با افزایش جمعیت از راههای خطرناک و یا حداقل مشکوک بمبارزه برخیزیم با اینگونه مصرف غیر عادلانه مواد غذائی و اسراف و تبذیرهایی که در این باره انجام میشود پیکار نمائیم؟ اسلام اگر تکثیر نسل را توصیه میکند در برابر، اینگونه اسرافکاریها را به شدت تحریم کرده و اجازه نمیدهد که قوت لایموت هزاران تن انسانهای گرسنه را جمعی مغرور و سبکسیر بیهوده فاسد نموده و آنها را از معرض انتفاع خارج سازند، اسلام جلوی عدالتیها را در این باره گرفته و اجازه نمیدهد حتی یک لقمه غذای سالم بدون جهت بدور ریخته شود و مورد بهره برداری قرار نگیرد.

استعمار و کمبود مواد غذایی .

اسرافکاریها و یا تقسیم های غیرعادلانه در مصرف مواد غذایی که از عادات نفرت انگیز غریبها و مسلمانان غرب زده‌ی ما است هر چند بدون تردید از عوامل مهم گرسنگی در بعضی از کشورها است اما باینحال نقش قدرتهای بزرگ استعماری را هم نباید در این باره نادیده گرفت ، قدرتهای بزرگ استعماری در جهان ما برای دردست داشتن کنترل قیمتها و حفظ تسلط هر چه بیشتر خود بر کشورهای عقب مانده میلیونها تن مواد غذایی را در طول سال فاسد میسازند تا از این راه يك نوع كمبود مصنوعی بوجود آورند و با استفاده‌ی از آن بتوانند به هدفهای شوم و شیطانی خود دست یابند ! « برتراند راسل » فیلسوف مشهور جهان در یکی از نوشته‌های خود در این باره چنین می‌نویسد « ... در خلال ۱۴ سال گذشته آمریکا چهار میلیارد دلار پول برای خرید مازاد گندم کشاورزان خود پرداخته است ، میلیونها تن گندم ، جو ، ذرت ، پنیر و کره در انبارهای دولتی آمریکا مانده و فاسد گردیده است تا قیمت‌ها را در بازار جهانی بالا نگاه دارند! کوههای بزرگی از کره و پنیر را بارنگ غیر قابل مصرف میسازند که مبادا قیمت لبنیات تنزل پیدا کند !

در سال ۱۹۶۰ - ۱۴۵ میلیون تن نان در انبارهای آمریکا از بین رفت ، همین يك قلم خوراك كافی بود تا يكسال تمام بیش از پانصد میلیون جمعیت هندی را سیر نگهدارد همساله مقادیر بسیار عظیمی از مواد غذایی را آمریکا نابود میسازد فقط برای آنکه منابع خود و قدرتش را محفوظ نگاهدارد ، درسالهای اخیر فشار دستگا‌ه‌های کپتالیستی غرب جهت ادامه قحطی و گرسنگی موجود در جهان افزایش یافته است ... وقتی آمریکا مواد خوراکی را در انبارها ریخته و میگذارد فاسد شود نه تنها گرسنگی را توسعه میدهد بلکه کشورهای دیگر را مجبور میسازد تا غذا را بقیمت گزاف بخرند و بفروشند و از این راه باقتصاد آنها لطمه‌ی فراوان میزند ، این ثروتهای برباد رفته و حرام شده که توسط عده‌ای قدرت طلب خود خواه از نقاط مختلف کره زمین به سرقت رفته است فی الواقع سلاح های موثری است که از آنها بمنظور قتل میلیونها انسان بیگناه استفاده میشود» (۱) .

نظیر این جنایتها را انگلستان هم در دوران تسلط خویش بر هندوستان انجام میداد و در بلوك كمونیس م مانند این جنایتها (البته بصورت‌های دیگر) سابقه دارد ، اکنون باید دید که آیا صحیح است ما این نوع کمبودهای مصنوعی مواد غذایی را بحساب افزایش جمعیت بگذاریم تا بیبانه‌ی آن بخواییم از راههای خطرناک و یا حداقل مشکوک با تکثیر نسل به مبارزه برخیزیم ؟ آیا در بررسی يك موضوع مهم و حیاتی اجتماع نباید اینگونه عوامل وریشه‌های اصلی را مورد توجه قرارداد ؟ و بالاخره آیا بهتر نیست که

دنیای ما بجای آنکه بدست آویز کمبود مواد غذایی از افزایش جمعیت جلوگیری با اینگونه عوامل که موجب کمبودی میگردند بمبارزه برخیزد و از انجام اینگونه اعمال غیر انسانی جلوگیری نماید ؟!

مشکل تربیت فرزندان .

از دست آویزهائی که برای کنترل تولید مثل و مبارزه با افزایش جمعیت گفته میشود عدم امکان رسیدگی به وضع فرزندان زیاد و مشکل شدن تربیت صحیح آنها است ، این استدلال هر چند ممکن است به ظاهر زیبا و مورد پسند قرار گیرد ولی متأسفانه در اینجا هم گویا نمیخواهند . عوامل واقعی این مشکل را بررسی کرده و باعث اصلی آن به مبارزه برخیزند نه با معلول آن ، به عقیده نویسنده مشکل تربیت فرزندان (علاوه بر بی بندوباری جمعی از پدران و مادران که اصولاً باین امر حیاتی هیچگونه توجهی ندارند) از آنجا بوجود آمده که محیط اجتماع سخت آلوده گردیده و عوامل گناه و فساد آزادانه در دسترس همگان قرار گرفته است ، اینگونه دسترسی آزاد به موجبات انحراف و تباهی ، خود سبب میگردد که هرگونه تربیت صحیح را امکان ناپذیر گرداند ، زیرا هر قدر در محیط يك خانواده به وضع فرزندان (کم باشند یا زیاد) بطور کامل رسیدگی گردد باز مجرد تماس با محیط آلوده‌ی اجتماع کافی است که تمام آن رشته‌ها را پنبه گرداند و اثر آن تربیتها را خنثی سازد .

آری راه حل مشکل تربیت فرزند را باید در به وجود آوردن محیط های سالم اجتماعی و مبارزه با عوامل فساد و گناه جستجو کرد نه در پیکار با افزایش جمعیت و تکثیر نسل ، و بدون تردید تا مشکل آلودگی محیط حل نگردد مشکل تربیت (نه با کنترل تولید ونه با هیچ صورت دیگر) حل نخواهد شد و جدا جای تأسف است! گویا در پاره‌ای از نقاط جهان عادت بر این قرار گرفته که همواره برای مبارزه‌ی با مشکلی راه حل‌های اصولی و اساسی آنرا نادیده میگیرند و از طرفی وارد عمل میگردند که بسیار ناقص و یا اصولاً غیر موثر است .

توجه فرمائید

در صفحه ۳۵ سطر ۱۸ غلط چاپ شده و صحیح آن چنین است :

«روابط و همبستگیهای اجتماعی نفوذ دارد «حاکمیت الهی»
به جای همه حاکمیت‌های»